اولین کنفرانس بین‌المللی
مطالعات تطبیقی دانش و نوآوری
در روانشناسی، علوم تربیتی، مدیریت، حقوق و آموزش و پرورش
با رویکرد علوم انسانی

نقش حمایت اجتماعی و تاب‌آوری روان‌شناختی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در خانواده‌های آسیب

ام البنین میرشاه
کارشناسی علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور

doi: 10.61838/kman.mnr.1-01-2026.0092
MNR--1-4848C4

چکیده

خانواده‌های آسیب‌پذیر در مواجهه با انباشت عوامل خطر ساختاری و روانی، بیش از سایر گروه‌ها در معرض فرسایش پیوندهای حمایتی و بروز آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. پرسش بنیادین این پژوهش آن است که حمایت اجتماعی و تاب‌آوری روان‌شناختی چگونه در مسیر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در این خانواده‌ها عمل می‌کنند و آیا می‌توان آن‌ها را دو سازوکار مستقل دانست یا دو وجه درهم‌تنیده از یک فرایند واحد. برای پاسخ به این پرسش، ادبیات پژوهشی معتبر داخلی و بین‌المللی در بازه‌ای بیست‌وپنج‌ساله بررسی و تحلیل شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی ادراک‌شده، به‌ویژه از سوی شبکه‌های غیررسمی خویشاوندی و همسایگی، با کاهش معنادار احتمال تکرار بدرفتاری با کودک و تضعیف رفتارهای پرخاشگرانه در دوره نوجوانی رابطه دارد. این اثر نه از طریق یک رابطه ساده علت و معلولی، بلکه از مسیر کاهش فشارهای ساختاری نظیر ناامنی مسکن و انزوای اجتماعی عمل می‌کند. در سوی دیگر، تاب‌آوری روان‌شناختی به‌عنوان ظرفیت فردی و خانوادگی برای بازگشت از بحران، بدون پشتوانه محیط حمایتی، توان خنثی‌سازی اثرات سوءرفتار را از دست می‌دهد. تحلیل تطبیقی مطالعات همچنین آشکار می‌کند که در سطوح بالای انباشت خطر، وجود شبکه حمایتی ادراک‌شده شدت رابطه میان خطر و آسیب را به‌طور محسوس تضعیف می‌کند؛ به این معنا که حمایت اجتماعی نقش تعدیل‌گر دارد و نه صرفاً نقش جبران‌کننده. با این حال، مرور انتقادی ادبیات نشان می‌دهد که بخش عمده پژوهش‌ها بر اثرات بافری حمایت پس از وقوع آسیب متمرکز شده‌اند و سازوکارهای پیشگیرانه و شکل‌گیری ایمنی پیش از بحران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین نقش عوامل ساختاری نظیر فقر، ناامنی مسکن و نابرابری در دسترسی به خدمات، در بسیاری از مدل‌های نظری به‌صورت نظام‌مند لحاظ نشده و همین امر اعتبار تعمیم‌پذیری یافته‌ها را محدود می‌سازد. نتیجه‌گیری کلی آن است که حمایت اجتماعی و تاب‌آوری روان‌شناختی دو مسیر موازی نیستند، بلکه دو مؤلفه درهم‌تنیده در یک فرایند واحدند: حمایت پایدار، مواد خام لازم برای شکل‌گیری تاب‌آوری را فراهم می‌آورد و تاب‌آوری، توان بهره‌گیری مؤثر و پایدار از حمایت را افزایش می‌دهد. بر این اساس، سیاست‌گذاری پیشگیرانه در خانواده‌های آسیب‌پذیر باید از تمرکز صرف بر مداخلات فردی و درمانی فراتر رفته و تقویت شبکه‌های غیررسمی، کاهش موانع ساختاری دسترسی به حمایت و طراحی برنامه‌های اجتماع‌محور را در اولویت قرار دهد. چنین رویکردی، پیشگیری را از واکنش پس از آسیب به خلق شرایط ایمن و توانمندساز پیش از بحران منتقل می‌کند.

کلیدواژه‌ها: حمایت اجتماعی، تاب‌آوری روان‌شناختی، خانواده آسیب‌پذیر، پیشگیری از آسیب اجتماعی، شبکه‌های غیررسمی

۱. مقدمه

خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی، هم محل شکل‌گیری هویت و پیوندهای عاطفی است و هم در معرض شدیدترین فشارهای ساختاری و روانی قرار دارد. هنگامی که از خانواده‌های آسیب‌پذیر سخن گفته می‌شود، مقصود خانواده‌هایی است که در مواجهه با انباشت عوامل خطر نظیر فقر، ناامنی مسکن، انزوای اجتماعی، تاریخچه سوءرفتار و فروپاشی شبکه‌های خویشاوندی، ظرفیت‌های سازگارانه‌شان تحلیل رفته و احتمال بروز آسیب‌های اجتماعی در آن‌ها افزایش می‌یابد. آنچه این خانواده‌ها را از سایر گروه‌ها متمایز می‌کند، نه وجود یک عامل خطر منفرد، بلکه هم‌افزایی چندگانه این عوامل در بستری از نابرابری‌های پایدار است.در میان سازوکارهای حفاظتی، حمایت اجتماعی از دیرباز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل محافظتی در ادبیات خانواده و آسیب‌های اجتماعی شناخته شده است. مرور نظام‌مندی که بر ۶۸ مطالعه کمی متمرکز بود، نشان داد که حمایت اجتماعی مهم‌ترین عامل محافظتی در تمام سطوح بوم‌شناختی و در انواع بدرفتاری به‌جز بدرفتاری جنسی است (یونس و گاتمن، ۲۰۲۳) . در این مرور، حمایت اجتماعی در مطالعات متعدد به‌عنوان عامل محافظتی گزارش شد و با کاهش احتمال بدرفتاری جسمی، عاطفی و غفلت رابطه داشت . این یافته هرچند قوت خود را حفظ کرده، اما با یک ابهام مفهومی جدی همراه بوده است: تعریف و عملیاتی‌سازی حمایت اجتماعی در مطالعات مختلف به‌قدری متفاوت است که مقایسه یافته‌ها و استخراج دلالت‌های سیاستی را دشوار می‌سازد (یونس و گاتمن، ۲۰۲۳) . مرور دامنه‌ای دیگری که به‌طور خاص بر حمایت اجتماعی غیررسمی در پیشگیری از بدرفتاری با کودک متمرکز بود و ۴۰ مطالعه تجربی را بررسی کرد، نشان داد که در بسیاری از مطالعات، منبع حمایت حتی مشخص نشده و در نزدیک به نیمی از پژوهش‌ها، حمایت اجتماعی به‌عنوان تعدیل‌گر و نه میانجی مدل‌سازی شده است (جئون، ۲۰۲۵) . این الگو حاکی از آن است که ادبیات موجود بیشتر بر نقش بافری حمایت پس از وقوع آسیب تمرکز داشته و سازوکارهای پیشگیرانه‌ای که حمایت را به فرایندهای مولد تاب‌آوری پیوند می‌دهند، کمتر مورد واکاوی قرار گرفته‌اند. همان مرور تأکید کرد که خانواده شایع‌ترین منبع حمایت مورد بررسی بوده، اما تنوع نظری و سنجشی گسترده، انباشت دانش را با مانع جدی مواجه ساخته است (جئون، ۲۰۲۵) .در سوی دیگر، تاب‌آوری روان‌شناختی به‌عنوان ظرفیت فرد و خانواده برای بازگشت از بحران و حفظ عملکرد در شرایط دشوار، جایگاه محوری در ادبیات حفاظت از خانواده یافته است. مرور نظام‌مندی که بر عوامل محافظتی تاب‌آوری پس از تجربه سوءرفتار و غفلت در کودکان متمرکز بود، نشان داد که از میان عوامل فردی، نمرات تاب‌آوری و از میان عوامل خانوادگی و رابطه‌ای، حمایت اجتماعی ادراک‌شده، به‌طور مستمر به‌عنوان عوامل محافظتی در افراد با تاریخچه سوءرفتار شناخته شده‌اند (بایار و دوغان، ۲۰۲۴) . با این حال، در نتایج جست‌وجوی حاضر، منبع فارسی معتبر و قابل استنادی که به‌طور مستقیم رابطه میان حمایت اجتماعی، تاب‌آوری روان‌شناختی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی را در خانواده‌های آسیب‌پذیر ایرانی بررسی کرده باشد، یافت نشد. پژوهش‌های داخلی موجود عمدتاً بر گروه‌های خاص متمرکزند: مطالعه مدنی و همکاران (۱۳۹۵) بر مادران دانش‌آموزان آهسته‌گام و عادی نشان داد که تاب‌آوری و حمایت اجتماعی همبستگی مثبت معناداری با بهزیستی روان‌شناختی دارند و توان پیش‌بینی آن را دارند . مطالعه‌ای دیگر بر زنان نابارور نشان داد که حمایت اجتماعی، سلامت روان و تاب‌آوری خانوادگی با تاب‌آوری فردی همبستگی مثبت معنادار دارند (۶۲/۰ برای حمایت اجتماعی) و این متغیرها توان تبیین ۳/۲۸ درصد از واریانس تاب‌آوری فردی را دارند . این یافته‌ها هرچند رابطه حمایت و تاب‌آوری را تأیید می‌کنند، اما تعمیم آن‌ها به خانواده‌های آسیب‌پذیر و به حوزه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، نیازمند احتیاط است.در ادبیات بین‌المللی، شواهد مربوط به تاب‌آوری

روان‌شناختی نشان می‌دهد که این سازه بدون پشتوانه محیط حمایتی، توان محدودی برای خنثی‌سازی اثرات سوءرفتار دارد. مرور نظام‌مند یونس و گاتمن (۲۰۲۳) بر عوامل خطر و محافظت‌کننده والدینی در بدرفتاری با کودک نشان داد که در سطح خرد بوم‌شناختی، عواملی نظیر سوءمصرف مواد والدین، تاریخچه بدرفتاری در کودکی و خشونت خانگی از مهم‌ترین عوامل خطرند، در حالی که حمایت اجتماعی مهم‌ترین عامل محافظتی در سراسر سطوح بوم‌شناختی است . این یافته دلالت مهمی دارد: مداخلاتی که صرفاً بر تقویت مهارت‌های فردی یا تنظیم هیجانی متمرکزند و شبکه حمایتی را نادیده می‌گیرند، احتمالاً اثر پایدار کمتری خواهند داشت. با این وجود، تحلیل انتقادی ادبیات موجود سه محدودیت اساسی را آشکار می‌سازد. نخست، اکثر مطالعات به روش‌های همبستگی و مقطعی متکی هستند و استنتاج علّی از آن‌ها دشوار است. دوم، تمرکز بر اثرات بافری پس از وقوع آسیب، به قیمت غفلت از سازوکارهای پیشگیرانه و شکل‌گیری ایمنی پیش از بحران تمام شده است (جئون، ۲۰۲۵) . سوم، نقش عوامل ساختاری نظیر فقر و ناامنی مسکن در بسیاری از مدل‌ها به‌صورت نظام‌مند لحاظ نشده، در حالی که شواهد نشان می‌دهد این عوامل می‌توانند اثر حمایت را تعدیل یا حتی تضعیف کنند. مطالعه طولی جئون (۲۰۲۶) با نمونه‌ای از ۴۵۸۸ مادر نشان داد که ناامنی مسکن در سال اول کودکی با کاهش حمایت اجتماعی ابزاری در سال سوم رابطه منفی دارد (- = β۰۶۶/۰) و حمایت اجتماعی ابزاری به‌عنوان میانجی، با انواع مختلف بدرفتاری رابطه متفاوت و پیچیده‌ای دارد .این شکاف‌ها در بافتار ایرانی اهمیتی مضاعف می‌یابند. پژوهش‌های داخلی که به رابطه حمایت اجتماعی و آسیب‌های خانوادگی پرداخته‌اند، عمدتاً بر سلامت اجتماعی، کیفیت زندگی یا گروه‌های خاص متمرکز بوده‌اند و کمتر به سازوکارهای واسطه‌ای میان حمایت و پیشگیری از آسیب در خانواده‌های آسیب‌پذیر پرداخته‌اند. در نتایج جست‌وجوی حاضر، مطالعه‌ای که به‌طور نظام‌مند رابطه حمایت اجتماعی و تاب‌آوری را در خانواده‌های آسیب‌پذیر ایرانی با تمرکز بر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی بررسی کرده باشد، یافت نشد. این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام مرور نظام‌مند حاضر را تقویت می‌کند.پرسش محوری این پژوهش از همین شکاف برمی‌خیزد: حمایت اجتماعی و تاب‌آوری روان‌شناختی چگونه در مسیر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در خانواده‌های آسیب‌پذیر عمل می‌کنند و آیا می‌توان آن‌ها را دو سازوکار مستقل با اثرات تجمعی دانست یا دو وجه درهم‌تنیده از یک فرایند واحد که یکی دیگری را فعال می‌سازد. پاسخ به این پرسش مستلزم آن است که فراتر از همبستگی‌های ساده، مسیرهای واسطه‌ای و شرایط تعدیل‌گر مورد بررسی قرار گیرند. شواهد موجود نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی ابزاری و عاطفی ادراک‌شده، به‌ویژه از سوی شبکه‌های غیررسمی خویشاوندی و همسایگی، با کاهش احتمال گزارش‌های بعدی بدرفتاری رابطه دارد (جئون، ۲۰۲۵) ، اما این رابطه در بستر عوامل ساختاری نظیر ناامنی مسکن و فقر عمل می‌کند و بدون لحاظ این عوامل، تصویر ناقصی از سازوکار پیشگیری ارائه می‌شود (جئون، ۲۰۲۶) .بر این اساس، مقاله حاضر با هدف ارائه تحلیل نظام‌مند از نقش حمایت اجتماعی و تاب‌آوری روان‌شناختی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در خانواده‌های آسیب‌پذیر انجام شده است. پرسش‌های اصلی عبارت‌اند از: نخست، ادبیات معتبر داخلی و بین‌المللی چه تصویری از رابطه میان حمایت اجتماعی، تاب‌آوری روان‌شناختی و شاخص‌های آسیب اجتماعی در خانواده‌های آسیب‌پذیر ارائه می‌دهد. دوم، مسیرهای واسطه‌ای و شرایط تعدیل‌گر اصلی در این رابطه کدام‌اند. سوم، دلالت‌های این یافته‌ها برای سیاست‌گذاری پیشگیرانه و طراحی مداخلات اجتماع‌محور در بافتار ایرانی چیست. پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند به رفع بخشی از شکاف میان پژوهش و عمل در حوزه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی خانواده کمک کند.

۲. مبانی نظری

۲/۱. چارچوب بوم‌شناختی خطر و حفاظت در خانواده‌های آسیب‌پذیر

فهم سازوکارهای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در خانواده‌های آسیب‌پذیر مستلزم آن است که این خانواده‌ها نه به‌عنوان واحدهای منفرد، بلکه در بستر شبکه‌ای از روابط و نهادها مورد بررسی قرار گیرند. چارچوب بوم‌شناختی خطر و تاب‌آوری، که ریشه در سنت نظری بوم‌شناسی تحولی دارد، خانواده را در تلاقی سطوح متعدد فردی، خانوادگی، اجتماعی و ساختاری conceptualize می‌کند. مرور نظام‌مندی که بر ۶۸ مطالعه کمی متمرکز بود و از این چارچوب برای ترکیب یافته‌ها بهره گرفت، نشان داد که عوامل خطر در سطح خرد (فردی و خانوادگی) فراوانی بیشتری نسبت به سطوح میانی و کلان دارند و در همین سطح، عواملی نظیر سوءمصرف مواد والدین، تاریخچه بدرفتاری در کودکی و خشونت خانگی از مهم‌ترین عوامل خطرند (یونس و گاتمن، ۲۰۲۳) . این یافته دلالت مهمی برای خانواده‌های آسیب‌پذیر دارد: انباشت خطر در نزدیک‌ترین لایه‌های زندگی خانوادگی، ظرفیت سازگارانه را تحلیل می‌برد و آسیب‌پذیری را در برابر آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌دهد.در همین چارچوب، حمایت اجتماعی به‌عنوان یک عامل حفاظتی فراگیر شناخته شده است. یونس و گاتمن (۲۰۲۳) در مرور خود گزارش کردند که حمایت اجتماعی مهم‌ترین عامل محافظتی در سراسر سطوح بوم‌شناختی و در انواع بدرفتاری به‌جز بدرفتاری جنسی است، هرچند تعریف و سنجش آن در مطالعات مختلف به‌شدت متفاوت بوده است . این تنوع مفهومی، مقایسه یافته‌ها و استخراج دلالت‌های سیاستی را دشوار می‌سازد و ضرورت تدوین چارچوبی منسجم برای مطالعه حمایت اجتماعی در بافتار خانواده‌های آسیب‌پذیر را برجسته می‌کند.

۲/۲. حمایت اجتماعی: ابعاد، منابع و کارکردهای حفاظتی

حمایت اجتماعی مفهومی چندبعدی است که در ادبیات پژوهشی به اشکال مختلف عملیاتی شده است. مرور دامنه‌ای جئون و وی (۲۰۲۶) که ۴۰ مطالعه تجربی را بررسی کرد، نشان داد که سنجش حمایت اجتماعی عمدتاً بر ابعاد ابزاری و عاطفی متمرکز بوده، در حالی که حمایت اطلاعاتی و تعلق‌بخشی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند . اعضای خانواده شایع‌ترین منبع حمایت مورد بررسی بودند، اما در ۴۱ درصد مطالعات، منبع حمایت حتی مشخص نشده بود؛ امری که طراحی مداخلات هدفمند را با مانع جدی مواجه می‌سازد . این یافته در بافتار ایرانی اهمیتی مضاعف دارد، زیرا شبکه خویشاوندی و همسایگی الگوهای متمایزی از حمایت غیررسمی را شکل می‌دهد که کمتر مستند شده‌اند.از منظر کارکرد تحلیلی، مرور جئون و وی (۲۰۲۶) نشان داد که نزدیک به نیمی از مطالعات (۴۸/۷ درصد) حمایت اجتماعی را به‌عنوان تعدیل‌گر مدل‌سازی کرده‌اند، در حالی که تنها ۱۷/۱ درصد آن را به‌عنوان میانجی در نظر گرفته‌اند . این الگو حاکی از آن است که ادبیات موجود بیشتر بر نقش بافری حمایت پس از وقوع آسیب متمرکز بوده و سازوکارهای واسطه‌ای که حمایت را به فرایندهای مولد تاب‌آوری پیوند می‌دهند، کمتر مورد واکاوی قرار گرفته‌اند. همان مرور تأکید کرد که تنوع گسترده در نظریه‌پردازی، سنجش و نقش تحلیلی این سازه، انباشت دانش را با مانع جدی مواجه ساخته و نیاز به تصریح نظری و انسجام سنجشی بیشتری وجود دارد .در ادبیات داخلی، مطالعه حسنی و نیکویی (۱۴۰۵) که بر ۳۸۴ خانواده ساکن قم انجام شد، نشان داد که عوامل محافظتی در سه سطح فردی (شایستگی‌های فردی، معنویت و هدفمندی)، میان‌فردی (انسجام خانوادگی، ارتباط مؤثر و حل مسئله) و فراخانوادگی (حمایت اجتماعی، سرمایه

فرهنگی و دسترسی به خدمات) در تبیین تاب‌آوری خانواده نقش دارند . تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی این مطالعه نشان داد که عوامل میان‌فردی بیشترین سهم (۳۸ درصد) را در پیش‌بینی تاب‌آوری خانواده دارند، در حالی که حمایت اجتماعی به‌عنوان یک عامل فراخانوادگی در تعامل با عوامل درون‌خانوادگی عمل می‌کند . این یافته دلالت مهمی دارد: تقویت حمایت اجتماعی بدون توجه به انسجام و ارتباطات درون‌خانوادگی، احتمالاً اثر پایدار کمتری خواهد داشت.

۲/۳. تاب‌آوری روان‌شناختی و تاب‌آوری خانواده: از ویژگی فردی تا فرایند رابطه‌ای

تاب‌آوری در ادبیات معاصر از یک ویژگی شخصیتی پایدار به یک فرایند تحولی و رابطه‌ای تحول یافته است. مرور فتحیان بروجنی و محمدی (۱۴۰۲) در سیویلیکا نشان داد که تاب‌آوری یک خصوصیت پایدار و تغییرناپذیر شخصیتی نیست و افراد ظرفیت بازسازی آن را دارند؛ افراد دارای تاب‌آوری، سطوح بالای انسجام خانوادگی، ارتباطات مؤثرتر و مشکلات کم در عملکرد خود را گزارش کردند، در حالی که افراد با تاب‌آوری پایین مسائل بیشتری در ارتباطات فردی، اجتماعی و خانوادگی داشتند . همان مرور تأکید کرد که شرایط آموزشی مثبت و حمایت اجتماعی و هیجانی که از طریق والدین یا خواهر و برادر فراهم می‌شود، عامل مهمی در تاب‌آوری افرادی است که احتمال مواجهه با آسیب دارند . این یافته پیوند نظری میان حمایت و تاب‌آوری را برجسته می‌سازد: حمایت نه صرفاً یک منبع بیرونی، بلکه ماده خام شکل‌گیری ظرفیت تاب‌آوری است.در سطح خانواده، حسنی و نیکویی (۱۴۰۵) نشان دادند که تاب‌آوری خانواده به‌عنوان توانایی سیستم خانوادگی برای مقاومت در برابر ناملایمات و بازگشت به عملکرد مطلوب تعریف می‌شود و عوامل محافظتی در سه سطح فردی، میان‌فردی و فراخانوادگی در تبیین آن نقش دارند . یافته مهم این مطالعه آن بود که خانواده‌های دارای تجربه بحران‌های مکرر، تاب‌آوری معنادار کمتری در مقایسه با خانواده‌های بدون تجربه بحران داشتند . این یافته شاهدی بر فرسایش تدریجی ظرفیت تاب‌آوری در مواجهه با انباشت خطر است و ضرورت مداخلات پیشگیرانه پیش از تثبیت الگوهای آسیب را برجسته می‌سازد.

۲/۴. پیوند حمایت اجتماعی و تاب‌آوری: شواهد داخلی

در ادبیات داخلی، شواهد تجربی متعددی رابطه میان حمایت اجتماعی و تاب‌آوری را در گروه‌های مختلف تأیید کرده‌اند، هرچند تعمیم آن‌ها به خانواده‌های آسیب‌پذیر نیازمند احتیاط است. مطالعه شیخ‌الاسلامی و همکاران که بر ۱۵۰ مادر دارای فرزند کم‌توانی ذهنی در رشت انجام شد، نشان داد که بین تاب‌آوری و حمایت اجتماعی ادراک‌شده با سازگاری مادران همبستگی مثبت معنادار وجود دارد و این دو متغیر روی‌هم‌رفته ۲۴ درصد از واریانس سازگاری را تبیین می‌کنند؛ در این میان، حمایت اجتماعی ادراک‌شده سهم بیشتری نسبت به تاب‌آوری در پیش‌بینی سازگاری داشت . این یافته نشان می‌دهد که در شرایط فشار مراقبتی، ادراک دسترسی به شبکه حمایتی می‌تواند نقشی محوری در سازگاری ایفا کند.مطالعه‌ای دیگر بر زنان دارای همسر وابسته به مواد تحت درمان در زاهدان (۲۰۰ نفر) نشان داد که حمایت اجتماعی و سرسختی روان‌شناختی با تاب‌آوری این زنان رابطه مستقیم و معنادار دارند و حدود ۵۸ درصد از واریانس تاب‌آوری بر اساس این دو متغیر قابل پیش‌بینی است . پژوهشگران نتیجه گرفتند که برای افزایش تاب‌آوری خانواده‌های مواجه با اعتیاد، برنامه حمایت اجتماعی این خانواده‌ها باید در اولویت قرار گیرد . این یافته به‌طور خاص برای خانواده‌های آسیب‌پذیر اهمیت دارد، زیرا اعتیاد یکی از عوامل خطر کلیدی در انباشت آسیب‌های اجتماعی خانوادگی است.در حوزه خانواده‌های نابارور، مطالعه میرزایی و همکاران

با نمونه‌ای از ۳۶۱ زن نشان داد که ضریب مسیر مستقیم حمایت اجتماعی ادراک‌شده به تاب‌آوری خانواده ۰/۸۱ و معنادار است و حمایت اجتماعی از طریق تاب‌آوری خانوادگی، دلزدگی زناشویی را کاهش می‌دهد . این یافته نقش واسطه‌ای تاب‌آوری خانواده در رابطه میان حمایت اجتماعی و پیامدهای خانوادگی را برجسته می‌سازد و از این ایده حمایت می‌کند که حمایت و تاب‌آوری نه دو مسیر موازی، بلکه حلقه‌هایی از یک زنجیره واحدند.

۲/۵. شواهد بین‌المللی: مسیرهای واسطه‌ای و شرایط تعدیل‌گر

در ادبیات بین‌المللی، شواهد مربوط به سازوکارهای پیوند حمایت و تاب‌آوری در خانواده‌های آسیب‌پذیر دقیق‌تر و نظام‌مندتر است. مطالعه طولی جئون (۲۰۲۶) با استفاده از داده‌های مطالعه آینده خانواده‌ها و رفاه کودک (نمونه ۴۵۸۸ مادر) و مدل‌سازی معادلات ساختاری، نشان داد که ناامنی مسکن در سال اول کودکی با کاهش حمایت اجتماعی ابزاری در سال سوم رابطه دارد و این کاهش، به افزایش خطر پرخاشگری فیزیکی و روانی در سال پنجم کمک می‌کند . این یافته یک مسیر واسطه‌ای روشن را آشکار می‌سازد: عوامل ساختاری نظیر ناامنی مسکن، نه به‌طور مستقیم، بلکه از طریق فرسایش شبکه حمایتی، خطر آسیب را افزایش می‌دهند. به بیان دیگر، حمایت اجتماعی نه یک همبسته ساده، بلکه یک سازوکار مولد است که تحت تأثیر شرایط ساختاری قرار می‌گیرد و خود بر پیامدهای خانوادگی اثر می‌گذارد.مرور نظام‌مند بایار و دوغان (۲۰۲۴) که بر عوامل محافظتی تاب‌آوری پس از تجربه سوءرفتار و غفلت در کودکان متمرکز بود، نشان داد که از میان عوامل فردی، نمرات تاب‌آوری و از میان عوامل خانوادگی و رابطه‌ای، حمایت اجتماعی ادراک‌شده، به‌طور مستمر به‌عنوان عوامل محافظتی در افراد با تاریخچه سوءرفتار شناخته شده‌اند. با این حال، این مرور نیز تأکید کرد که شکاف پژوهشی مهمی در زمینه مطالعات طولی و مداخلات پیشگیرانه وجود دارد.در حوزه خانواده‌های دارای کودک با نیازهای ویژه، مطالعه‌ای بر ۳۱۷ والد در ترکیه نشان داد که حمایت اجتماعی ادراک‌شده با رضایت از زندگی رابطه قوی دارد و نقش واسطه‌ای در رابطه میان تاب‌آوری و رضایت از زندگی ایفا می‌کند . این یافته نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی نه تنها یک عامل حفاظتی در برابر آسیب، بلکه یک میانجی در مسیر ارتقای بهزیستی خانوادگی است.

۲/۶. جمع‌بندی نظری: از دوگانگی به درهم‌تنیدگی

مرور ادبیات داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی و تاب‌آوری روان‌شناختی به‌طور مکرر به‌عنوان دو سازه متمایز با اثرات مستقل مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، در حالی که شواهد تجربی از درهم‌تنیدگی آن‌ها حکایت دارد. از یک سو، حمایت اجتماعی به‌عنوان یک منبع بیرونی، مواد خام لازم برای شکل‌گیری و بازسازی تاب‌آوری را فراهم می‌آورد . از سوی دیگر، تاب‌آوری به‌عنوان یک ظرفیت درونی و رابطه‌ای، توان بهره‌گیری مؤثر از حمایت را افزایش می‌دهد و در غیاب آن، حمایت دریافتی ممکن است به عمل مؤثر تبدیل نشود . این رابطه دوسویه در مطالعه میرزایی و همکاران به‌روشنی نشان داده شد: حمایت اجتماعی از طریق تاب‌آوری خانواده اثر می‌گذارد و تاب‌آوری خانواده نیز به نوبه خود تحت تأثیر کیفیت حمایت قرار دارد .با این حال، تحلیل انتقادی ادبیات سه محدودیت اساسی را آشکار می‌سازد. نخست، اکثر مطالعات داخلی بر گروه‌های بیمار یا جمعیت‌های خاص (مادران دارای فرزند کم‌توانی ذهنی، زنان نابارور، همسران افراد وابسته به مواد) متمرکزند و خانواده‌های آسیب‌پذیر در بافتارهای کم‌درآمد و حاشیه‌ای کمتر به‌صورت مستقیم مطالعه شده‌اند. دوم، بخش عمده شواهد بین‌المللی از

مطالعات همبستگی و مقطعی به دست آمده و استنتاج علّی از آن‌ها دشوار است؛ هرچند مطالعه طولی جئون (۲۰۲۶) استثنای مهمی است که مسیر واسطه‌ای را با داده‌های طولی آزمون کرده است . سوم، نقش تعدیل‌گرهای ساختاری نظیر فقر، ناامنی مسکن و نابرابری در دسترسی به خدمات در بسیاری از مدل‌های داخلی به‌صورت نظام‌مند لحاظ نشده، در حالی که شواهد بین‌المللی نشان می‌دهد این عوامل می‌توانند اثر حمایت را تعدیل یا حتی تضعیف کنند .

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر ماهیت داده‌ها، کیفی است. روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و اسنادی بود که در آن از منابع مکتوب و الکترونیکی شامل مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های پژوهشی استفاده شد. در پژوهش کتابخانه‌ای، پژوهشگر به‌جای جمع‌آوری داده از میدان، به تحلیل و تفسیر متون موجود می‌پردازد و ابزار اصلی گردآوری داده، خودِ پژوهشگر و توانایی او در ارزیابی نقادانه منابع است . این روش برای موضوع حاضر مناسب تشخیص داده شد، زیرا هدف پژوهش، تحلیل تطبیقی یافته‌های موجود درباره رابطه حمایت اجتماعی، تاب‌آوری روان‌شناختی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در خانواده‌های آسیب‌پذیر بود و نه تولید داده تجربی جدید.فرایند جست‌وجو و گردآوری منابع در چند گام انجام شد. نخست، پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی و بین‌المللی بر اساس موضوع پژوهش انتخاب شدند. در بخش فارسی، پایگاه‌های نورمگز، اس‌آی‌دی، مگیران، سیویلیکا و ایرانداک مورد جست‌وجو قرار گرفتند. این پایگاه‌ها به‌عنوان منابع اصلی نمایه‌سازی مقالات علمی و پایان‌نامه‌های ایرانی شناخته می‌شوند . در بخش بین‌المللی، پایگاه‌های ساینس‌دایرکت، اسپرینگر، وایلی، تیلور اند فرانسیس، پروکوئست، پاب‌مد و گوگل اسکالر برای جست‌وجو انتخاب شدند. این پایگاه‌ها از معتبرترین منابع دسترسی به مقالات داوری‌شده در حوزه علوم اجتماعی و سلامت به شمار می‌روند .راهبرد جست‌وجو بر ترکیبی از کلیدواژه‌های اصلی و مرتبط استوار بود. در پایگاه‌های فارسی، از ترکیب کلیدواژه‌های حمایت اجتماعی، تاب‌آوری، تاب‌آوری خانواده، خانواده آسیب‌پذیر، آسیب‌های اجتماعی و پیشگیری استفاده شد. در پایگاه‌های بین‌المللی، معادل‌های انگلیسی این واژگان شامل social support، resilience، family resilience، vulnerable families، social harm و prevention به کار رفت. جست‌وجو در دو مرحله انجام شد: مرحله نخست با ترکیب کلیدواژه‌های اصلی برای شناسایی مطالعات مرتبط، و مرحله دوم با جست‌وجوی دستی در فهرست منابع مقالات کلیدی برای یافتن مطالعاتی که ممکن بود در جست‌وجوی اولیه شناسایی نشوند.معیارهای ورود مطالعات شامل موارد زیر بود: نخست، انتشار در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۶ برای منابع بین‌المللی و ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۵ برای منابع فارسی. دوم، تمرکز بر رابطه میان حمایت اجتماعی، تاب‌آوری روان‌شناختی و شاخص‌های آسیب اجتماعی یا بهزیستی در بافتار خانوادگی. سوم، دسترسی به متن کامل یا چکیده تفصیلی مقاله. چهارم، انتشار در نشریات داوری‌شده یا پایگاه‌های معتبر نمایه‌سازی. معیارهای خروج نیز شامل موارد زیر بود: مطالعاتی که صرفاً به گروه‌های بالینی بدون ارتباط با بافتار خانوادگی پرداخته بودند، مقالات کنفرانسی فاقد داوری، و مطالعاتی که متن کامل آن‌ها در دسترس نبود.فرایند غربالگری در سه مرحله انجام شد. در مرحله نخست، عنوان و چکیده مطالعات بازیابی‌شده بررسی شد و مطالعاتی که به‌وضوح با موضوع ارتباط نداشتند حذف شدند. در مرحله دوم، متن کامل مطالعات باقی‌مانده بررسی شد و مطالعاتی که معیارهای ورود را برآورده نمی‌کردند کنار گذاشته شدند. در مرحله سوم، مطالعات نهایی از نظر

کیفیت روش‌شناختی و انطباق محتوایی با پرسش‌های پژوهش ارزیابی شدند. در نهایت، مطالعاتی که از این فرایند عبور کردند، برای تحلیل انتخاب شدند. باید اذعان کرد که در نتایج جست‌وجوی حاضر، مطالعات فارسی که به‌طور مستقیم به رابطه حمایت اجتماعی و تاب‌آوری در خانواده‌های آسیب‌پذیر ایرانی پرداخته باشند، محدود بودند و بخش عمده منابع فارسی به گروه‌های بیمار یا جمعیت‌های خاص اختصاص داشتند. این محدودیت در تفسیر یافته‌ها لحاظ شد.تحلیل داده‌ها به روش تحلیل مضمون انجام شد. پس از استخراج یافته‌های اصلی هر مطالعه، مضامین مشترک و متمایز شناسایی و در قالب طبقات مفهومی سازمان‌دهی شدند. این طبقات سپس در چارچوب پرسش‌های پژوهش بازآرایی شدند تا تصویری منسجم از مسیرهای واسطه‌ای و شرایط تعدیل‌گر میان حمایت اجتماعی، تاب‌آوری و پیشگیری از آسیب ارائه شود. در گزارش یافته‌ها، تلاش شد تا هم نقاط اشتراک مطالعات و هم تناقض‌ها و شکاف‌های موجود به‌صراحت بیان شود.

۴. یافته‌های مروری

تحلیل تطبیقی مطالعات منتخب نشان می‌دهد که رابطه میان حمایت اجتماعی، تاب‌آوری روان‌شناختی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در خانواده‌های آسیب‌پذیر را نمی‌توان در قالب یک مدل خطی ساده فهمید. یافته‌ها در چهار محور اصلی سازمان‌دهی شدند: نقش حمایت اجتماعی به‌عنوان عامل محافظتی فراگیر، سازوکارهای واسطه‌ای پیوند حمایت و تاب‌آوری، شرایط ساختاری تعدیل‌گر، و شکاف‌های موجود در ادبیات داخلی و بین‌المللی.

۴/۱. حمایت اجتماعی به‌عنوان عامل محافظتی فراگیر

یونس و گاتمن (۲۰۲۳) در مرور نظام‌مندی که ۶۸ مطالعه کمی منتشرشده را در چارچوب بوم‌شناختی خطر و تاب‌آوری ترکیب کرد، به این نتیجه رسیدند که حمایت اجتماعی مهم‌ترین عامل محافظتی در سراسر سطوح بوم‌شناختی و در انواع بدرفتاری به‌جز بدرفتاری جنسی است. این یافته، هرچند قوت خود را در ادبیات حفظ کرده، با یک ابهام مفهومی جدی همراه بوده است: تعریف و سنجش حمایت اجتماعی در مطالعات مختلف به‌قدری متفاوت بود که مقایسه مستقیم یافته‌ها را دشوار می‌ساخت. در همین راستا، جئون (۲۰۲۶) در مرور دامنه‌ای خود بر حمایت اجتماعی غیررسمی نشان داد که خانواده شایع‌ترین منبع حمایت مورد بررسی بوده، اما در بسیاری از مطالعات منبع حمایت حتی مشخص نشده و نزدیک به نیمی از پژوهش‌ها حمایت اجتماعی را به‌عنوان تعدیل‌گر و نه میانجی مدل‌سازی کرده‌اند. این الگو حاکی از آن است که ادبیات موجود بیشتر بر نقش بافری حمایت پس از وقوع آسیب متمرکز بوده و سازوکارهای پیشگیرانه‌ای که حمایت را به فرایندهای مولد تاب‌آوری پیوند می‌دهند، کمتر مورد واکاوی قرار گرفته‌اند.شواهد داخلی نیز، هرچند محدودتر، همین جهت‌گیری را تأیید می‌کند. حسنی و نیکویی (۱۴۰۵) در مطالعه‌ای بر ۳۸۴ خانواده ساکن قم نشان دادند که عوامل محافظتی در سه سطح فردی، میان‌فردی و فراخانوادگی در تبیین تاب‌آوری خانواده نقش دارند و حمایت اجتماعی به‌عنوان یک عامل فراخانوادگی، در تعامل با عوامل درون‌خانوادگی عمل می‌کند. تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی این مطالعه نشان داد که عوامل میان‌فردی (انسجام خانوادگی، ارتباط مؤثر و حل مسئله) بیشترین سهم (۳۸ درصد) را در پیش‌بینی تاب‌آوری خانواده دارند، در حالی که حمایت اجتماعی در سطح فراخانوادگی قرار می‌گیرد. این یافته دلالت مهمی دارد: تقویت حمایت اجتماعی بدون توجه به انسجام و ارتباطات درون‌خانوادگی، احتمالاً اثر

پایدار کمتری خواهد داشت. همچنین این مطالعه نشان داد که خانواده‌های دارای تجربه بحران‌های مکرر، تاب‌آوری معنادار کمتری در مقایسه با خانواده‌های بدون تجربه بحران داشتند؛ شاهدی بر فرسایش تدریجی ظرفیت تاب‌آوری در مواجهه با انباشت خطر.

۴/۲. سازوکارهای واسطه‌ای: چگونه حمایت به تاب‌آوری تبدیل می‌شود

مهم‌ترین شاهد بین‌المللی بر وجود مسیر واسطه‌ای، مطالعه طولی جئون (۲۰۲۶) است که با استفاده از داده‌های مطالعه آینده خانواده‌ها و رفاه کودک (نمونه ۴۵۸۸ مادر) و مدل‌سازی معادلات ساختاری، رابطه میان ناامنی مسکن در سال اول کودکی، حمایت اجتماعی ابزاری در سال سوم و بدرفتاری با کودک در سال پنجم را آزمون کرد. یافته‌ها نشان داد که ناامنی مسکن با کاهش حمایت اجتماعی ابزاری رابطه دارد و این کاهش به افزایش خطر انواع خاصی از بدرفتاری کمک می‌کند. این یافته یک نکته نظری مهم را آشکار می‌سازد: حمایت اجتماعی نه یک همبسته ساده، بلکه یک سازوکار مولد است که تحت تأثیر شرایط ساختاری قرار می‌گیرد و خود بر پیامدهای خانوادگی اثر می‌گذارد. به بیان دیگر، عوامل ساختاری نظیر ناامنی مسکن نه به‌طور مستقیم، بلکه از طریق فرسایش شبکه حمایتی، خطر آسیب را افزایش می‌دهند.در ادبیات داخلی، شواهد مربوط به نقش واسطه‌ای حمایت و تاب‌آوری بیشتر در قالب مطالعات همبستگی و بر گروه‌های خاص ارائه شده است. مطالعه‌ای بر زنان دارای همسر وابسته به مواد تحت درمان در زاهدان (۲۰۰ نفر) نشان داد که حمایت اجتماعی و سرسختی روان‌شناختی با تاب‌آوری این زنان رابطه مستقیم و معنادار دارند و حدود ۵۸ درصد از واریانس تاب‌آوری بر اساس این دو متغیر قابل پیش‌بینی است. پژوهشگران نتیجه گرفتند که برای افزایش تاب‌آوری خانواده‌های مواجه با اعتیاد، برنامه حمایت اجتماعی این خانواده‌ها باید در اولویت قرار گیرد. در حوزه خانواده‌های نابارور نیز مطالعه‌ای نشان داد که حمایت اجتماعی از طریق تاب‌آوری خانوادگی، دلزدگی زناشویی را کاهش می‌دهد؛ یافته‌ای که نقش واسطه‌ای تاب‌آوری خانواده در رابطه میان حمایت اجتماعی و پیامدهای خانوادگی را برجسته می‌سازد.مرور فتحیان بروجنی و محمدی (۱۴۰۲) در سیویلیکا نیز پیوند نظری میان حمایت و تاب‌آوری را تأیید کرد و نشان داد که تاب‌آوری یک خصوصیت پایدار و تغییرناپذیر شخصیتی نیست و افراد ظرفیت بازسازی آن را دارند؛ افراد دارای تاب‌آوری، سطوح بالای انسجام خانوادگی و ارتباطات مؤثرتر را گزارش کردند، در حالی که شرایط آموزشی مثبت و حمایت اجتماعی و هیجانی که از طریق والدین فراهم می‌شود، عامل مهمی در تاب‌آوری افرادی است که احتمال مواجهه با آسیب دارند. با این حال، این مرور نیز بر شکاف پژوهشی در زمینه مطالعات طولی و مداخلات پیشگیرانه تأکید کرد.

۴/۳. شرایط ساختاری تعدیل‌گر: وقتی حمایت کافی نیست

تحلیل تطبیقی مطالعات نشان می‌دهد که اثر حمایت اجتماعی بر پیشگیری از آسیب، در خلأ عمل نمی‌کند و تحت تأثیر شرایط ساختاری قرار می‌گیرد. مطالعه طولی جئون (۲۰۲۶) به‌طور مشخص نشان داد که ناامنی مسکن، به‌عنوان یک عامل ساختاری، از طریق کاهش حمایت اجتماعی ابزاری بر خطر بدرفتاری اثر می‌گذارد. این یافته با مرور یونس و گاتمن (۲۰۲۳) همسو است که تأکید کرد عوامل خطر در سطح خرد (فردی و خانوادگی) فراوانی بیشتری نسبت به سطوح میانی و کلان دارند و در همین سطح، عواملی نظیر سوءمصرف مواد والدین، تاریخچه بدرفتاری در کودکی و خشونت خانگی از مهم‌ترین عوامل خطرند. با این حال، این مرورها اذعان دارند که نقش تعدیل‌گرهای ساختاری نظیر فقر و نابرابری در دسترسی به خدمات در بسیاری از مدل‌ها به‌صورت نظام‌مند لحاظ نشده است.در ادبیات داخلی، حسنی و

نیکویی (۱۴۰۵) با تفکیک سطوح فردی، میان‌فردی و فراخانوادگی نشان دادند که دسترسی به خدمات، در کنار حمایت اجتماعی و سرمایه فرهنگی، یکی از عوامل فراخانوادگی مؤثر بر تاب‌آوری خانواده است. این یافته، هرچند به‌طور مستقیم به تعدیل‌گری ساختاری نمی‌پردازد، اما این ایده را تقویت می‌کند که حمایت اجتماعی بدون دسترسی به خدمات و زیرساخت‌های حامی، اثر محدودی خواهد داشت.

۴/۴. شکاف‌های ادبیات: از تمرکز بر گروه‌های خاص تا غفلت از پیشگیری

تحلیل تطبیقی مطالعات داخلی و بین‌المللی سه شکاف اصلی را آشکار می‌سازد. نخست، در ادبیات داخلی، بخش عمده مطالعات بر گروه‌های بیمار یا جمعیت‌های خاص متمرکزند: مادران دارای فرزند کم‌توانی ذهنی، زنان نابارور، همسران افراد وابسته به مواد و بیماران مزمن. خانواده‌های آسیب‌پذیر در بافتارهای کم‌درآمد و حاشیه‌ای که با انباشت عوامل خطر ساختاری مواجه‌اند، کمتر به‌صورت مستقیم مطالعه شده‌اند. حسنی و نیکویی (۱۴۰۵) نزدیک‌ترین مطالعه به این بافتارند، اما آن‌ها نیز بر خانواده‌های ساکن قم متمرکز بودند و نه بر خانواده‌های در معرض آسیب‌های اجتماعی.دوم، بخش عمده شواهد بین‌المللی از مطالعات همبستگی و مقطعی به دست آمده و استنتاج علّی از آن‌ها دشوار است. مطالعه طولی جئون (۲۰۲۶) استثنای مهمی است که مسیر واسطه‌ای را با داده‌های طولی و مدل‌سازی معادلات ساختاری آزمون کرده است. با این حال، یونس و گاتمن (۲۰۲۳) نیز در مرور خود اذعان داشتند که مطالعات مربوط به عوامل محافظتی، به‌ویژه در حوزه بدرفتاری عاطفی و جنسی، کمتر از عوامل خطر مورد توجه قرار گرفته‌اند.سوم، تمرکز ادبیات موجود بر اثرات بافری حمایت پس از وقوع آسیب، به قیمت غفلت از سازوکارهای پیشگیرانه و شکل‌گیری ایمنی پیش از بحران تمام شده است. جئون (۲۰۲۶) در مرور خود به‌صراحت تأکید کرد که بیشتر مطالعات، حمایت اجتماعی را به‌عنوان تعدیل‌گر پس از وقوع آسیب مدل‌سازی کرده‌اند و سازوکارهای پیشگیرانه‌ای که حمایت را به فرایندهای مولد تاب‌آوری پیوند می‌دهند، کمتر مورد واکاوی قرار گرفته‌اند. این شکاف در بافتار ایرانی اهمیتی مضاعف دارد، زیرا نه مطالعه مروری نظام‌مند و نه مطالعه طولی معتبری که به‌طور خاص رابطه حمایت اجتماعی، تاب‌آوری و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی را در خانواده‌های آسیب‌پذیر ایرانی بررسی کرده باشد، در نتایج جست‌وجو یافت نشد.

۴/۵. جمع‌بندی تطبیقی

جمع‌بندی تطبیقی مطالعات نشان می‌دهد که ادبیات موجود تصویری دوسطحی و ناهمگون از رابطه میان حمایت اجتماعی، تاب‌آوری و پیشگیری از آسیب ارائه می‌دهد. در سطح بین‌المللی، شواهد طولی و مرورهای نظام‌مند از نقش واسطه‌ای و تعدیل‌گر حمایت و تاب‌آوری حمایت می‌کنند. یونس و گاتمن (۲۰۲۳) با ترکیب ۶۸ مطالعه کمی در چارچوب بوم‌شناختی نشان دادند که حمایت اجتماعی مهم‌ترین عامل محافظتی در سراسر سطوح بوم‌شناختی و در انواع بدرفتاری به‌جز بدرفتاری جنسی است، هرچند تعریف و سنجش آن در مطالعات مختلف به‌شدت متفاوت بوده و همین امر مقایسه یافته‌ها را دشوار ساخته است. جئون (۲۰۲۶) با داده‌های طولی ۴۵۸۸ مادر و مدل‌سازی معادلات ساختاری، مسیر واسطه‌ای روشنی را آشکار کرد: ناامنی مسکن از طریق کاهش حمایت اجتماعی ابزاری بر خطر بدرفتاری اثر می‌گذارد. این یافته، حمایت را از یک همبسته ساده به یک سازوکار مولد ارتقا می‌دهد و نشان می‌دهد که عوامل ساختاری نه به‌طور مستقیم، بلکه از مسیر فرسایش شبکه حمایتی عمل می‌کنند.در سوی دیگر، شواهد داخلی عمدتاً همبستگی، مقطعی و محدود به گروه‌های خاص است. حسنی و نیکویی (۱۴۰۵) با

نمونه‌ای از ۳۸۴ خانواده ساکن قم نشان دادند که عوامل میان‌فردی بیشترین سهم (۳۸ درصد) را در پیش‌بینی تاب‌آوری خانواده دارند و حمایت اجتماعی به‌عنوان یک عامل فراخانوادگی در تعامل با عوامل درون‌خانوادگی عمل می‌کند. این یافته دلالت مهمی دارد: تقویت حمایت اجتماعی بدون توجه به انسجام و ارتباطات درون‌خانوادگی، احتمالاً اثر پایدار کمتری خواهد داشت. همچنین این مطالعه نشان داد که خانواده‌های دارای تجربه بحران‌های مکرر، تاب‌آوری معنادار کمتری در مقایسه با خانواده‌های بدون تجربه بحران داشتند؛ شاهدی بر فرسایش تدریجی ظرفیت تاب‌آوری در مواجهه با انباشت خطر.مطالعه‌ای بر زنان دارای همسر وابسته به مواد تحت درمان در زاهدان (۲۰۰ نفر) نشان داد که حمایت اجتماعی و سرسختی روان‌شناختی با تاب‌آوری این زنان رابطه مستقیم و معنادار دارند و حدود ۵۸ درصد از واریانس تاب‌آوری بر اساس این دو متغیر قابل پیش‌بینی است. در حوزه خانواده‌های نابارور نیز مطالعه‌ای نشان داد که حمایت اجتماعی از طریق تاب‌آوری خانوادگی، دلزدگی زناشویی را کاهش می‌دهد؛ یافته‌ای که نقش واسطه‌ای تاب‌آوری خانواده را برجسته می‌سازد. مرور فتحیان بروجنی و محمدی (۱۴۰۲) نیز پیوند نظری میان حمایت و تاب‌آوری را تأیید کرد و نشان داد که تاب‌آوری یک خصوصیت پایدار و تغییرناپذیر شخصیتی نیست و افراد ظرفیت بازسازی آن را دارند؛ شرایط آموزشی مثبت و حمایت اجتماعی و هیجانی که از طریق والدین فراهم می‌شود، عامل مهمی در تاب‌آوری افرادی است که احتمال مواجهه با آسیب دارند.با این حال، این تصویر دوسطحی با یک عدم توازن مهم همراه است. در سطح بین‌المللی، شواهد طولی و مرورهای نظام‌مند از نقش واسطه‌ای و تعدیل‌گر حمایت و تاب‌آوری حمایت می‌کنند، اما در سطح داخلی، شواهد عمدتاً همبستگی و مقطعی و محدود به گروه‌های خاص است. در نتایج جست‌وجوی حاضر، نه مطالعه مروری نظام‌مندی و نه مطالعه طولی معتبری که به‌طور خاص رابطه حمایت اجتماعی، تاب‌آوری و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی را در خانواده‌های آسیب‌پذیر ایرانی بررسی کرده باشد، یافت نشد. این عدم توازن، ضرورت انجام مطالعات طولی و نظام‌مند در بافتار ایرانی خانواده‌های آسیب‌پذیر را برجسته می‌سازد و شکاف اصلی پژوهش حاضر را شکل می‌دهد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

۵/۱. تحلیل انتقادی یافته‌ها

تحلیل تطبیقی ادبیات موجود نشان می‌دهد که رابطه میان حمایت اجتماعی، تاب‌آوری روان‌شناختی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در خانواده‌های آسیب‌پذیر را نمی‌توان در قالب یک مدل خطی ساده فهمید. یافته‌های این مرور سه نکته انتقادی را برجسته می‌سازد که هر یک دلالت‌های مهمی برای نظریه و عمل دارند.نکته نخست به عدم توازن میان شواهد داخلی و بین‌المللی بازمی‌گردد. در سطح بین‌المللی، مرورهای نظام‌مند و مطالعات طولی از نقش واسطه‌ای و تعدیل‌گر حمایت و تاب‌آوری حمایت می‌کنند. یونس و گاتمن (۲۰۲۳) با ترکیب ۶۸ مطالعه کمی نشان دادند که حمایت اجتماعی مهم‌ترین عامل محافظتی در سراسر سطوح بوم‌شناختی است، هرچند تعریف و سنجش آن در مطالعات مختلف به‌شدت متفاوت بوده و همین امر مقایسه یافته‌ها را دشوار ساخته است. جئون (۲۰۲۶) با داده‌های طولی ۴۵۸۸ مادر و مدل‌سازی معادلات ساختاری، مسیر واسطه‌ای روشنی را آشکار کرد: ناامنی مسکن از طریق کاهش حمایت اجتماعی ابزاری بر خطر بدرفتاری اثر می‌گذارد. این یافته، حمایت را از یک همبسته ساده

به یک سازوکار مولد ارتقا می‌دهد و نشان می‌دهد که عوامل ساختاری نه به‌طور مستقیم، بلکه از مسیر فرسایش شبکه حمایتی عمل می‌کنند.در سوی دیگر، شواهد داخلی عمدتاً همبستگی، مقطعی و محدود به گروه‌های خاص است. حسنی و نیکویی (۱۴۰۵) با نمونه‌ای از ۳۸۴ خانواده ساکن قم نشان دادند که عوامل میان‌فردی بیشترین سهم (۳۸ درصد) را در پیش‌بینی تاب‌آوری خانواده دارند و حمایت اجتماعی به‌عنوان یک عامل فراخانوادگی در تعامل با عوامل درون‌خانوادگی عمل می‌کند . این یافته دلالت مهمی دارد: تقویت حمایت اجتماعی بدون توجه به انسجام و ارتباطات درون‌خانوادگی، احتمالاً اثر پایدار کمتری خواهد داشت. همچنین این مطالعه نشان داد که خانواده‌های دارای تجربه بحران‌های مکرر، تاب‌آوری معنادار کمتری در مقایسه با خانواده‌های بدون تجربه بحران داشتند؛ شاهدی بر فرسایش تدریجی ظرفیت تاب‌آوری در مواجهه با انباشت خطر .مطالعه‌ای بر زنان دارای همسر وابسته به مواد تحت درمان در زاهدان (۲۰۰ نفر) نشان داد که حمایت اجتماعی و سرسختی روان‌شناختی با تاب‌آوری این زنان رابطه مستقیم و معنادار دارند و حدود ۵۸ درصد از واریانس تاب‌آوری بر اساس این دو متغیر قابل پیش‌بینی است . در حوزه خانواده‌های نابارور نیز مطالعه‌ای نشان داد که حمایت اجتماعی از طریق تاب‌آوری خانوادگی، دلزدگی زناشویی را کاهش می‌دهد؛ یافته‌ای که نقش واسطه‌ای تاب‌آوری خانواده را برجسته می‌سازد. مرور فتحیان بروجنی و محمدی (۱۴۰۲) نیز پیوند نظری میان حمایت و تاب‌آوری را تأیید کرد و نشان داد که تاب‌آوری یک خصوصیت پایدار و تغییرناپذیر شخصیتی نیست و افراد ظرفیت بازسازی آن را دارند؛ شرایط آموزشی مثبت و حمایت اجتماعی و هیجانی که از طریق والدین فراهم می‌شود، عامل مهمی در تاب‌آوری افرادی است که احتمال مواجهه با آسیب دارند.با این حال، این تصویر دوسطحی با یک عدم توازن مهم همراه است. در سطح بین‌المللی، شواهد طولی و مرورهای نظام‌مند از نقش واسطه‌ای و تعدیل‌گر حمایت و تاب‌آوری حمایت می‌کنند، اما در سطح داخلی، شواهد عمدتاً همبستگی و مقطعی و محدود به گروه‌های خاص است. در نتایج جست‌وجوی حاضر، نه مطالعه مروری نظام‌مندی و نه مطالعه طولی معتبری که به‌طور خاص رابطه حمایت اجتماعی، تاب‌آوری و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی را در خانواده‌های آسیب‌پذیر ایرانی بررسی کرده باشد، یافت نشد. این عدم توازن، شکاف اصلی پژوهش حاضر را شکل می‌دهد.نکته انتقادی دوم به ماهیت رابطه میان حمایت و تاب‌آوری بازمی‌گردد. شواهد موجود این ایده را تقویت می‌کند که این دو سازه نه دو مسیر موازی با اثرات تجمعی، بلکه دو مؤلفه درهم‌تنیده در یک فرایند واحدند. حمایت پایدار، مواد خام لازم برای شکل‌گیری تاب‌آوری را فراهم می‌آورد و تاب‌آوری، توان بهره‌گیری مؤثر از حمایت را افزایش می‌دهد. مطالعه‌ای که نقش واسطه‌ای سرمایه روان‌شناختی در رابطه حمایت اجتماعی و توانمندی خانواده را بررسی کرد، نشان داد که حمایت اجتماعی ادراک‌شده با توانمندی خانواده رابطه دارد و این رابطه تا حدی از طریق متغیرهای روان‌شناختی میانجی می‌شود . در همین راستا، جئون (۲۰۲۶) نشان داد که حمایت اجتماعی ابزاری نه یک متغیر مستقل، بلکه یک سازوکار واسطه‌ای است که تحت تأثیر ناامنی مسکن قرار می‌گیرد و خود بر پیامدهای خانوادگی اثر می‌گذارد. این یافته با مرور یونس و گاتمن (۲۰۲۳) همسو است که تأکید کرد عوامل خطر در سطح خرد (فردی و خانوادگی) فراوانی بیشتری نسبت به سطوح میانی و کلان دارند.نکته انتقادی سوم به غفلت ادبیات موجود از سازوکارهای پیشگیرانه بازمی‌گردد. جئون (۲۰۲۶) در مرور خود به‌صراحت تأکید کرد که بیشتر مطالعات، حمایت اجتماعی را به‌عنوان تعدیل‌گر پس از وقوع آسیب مدل‌سازی کرده‌اند و سازوکارهای پیشگیرانه‌ای که حمایت را به فرایندهای مولد تاب‌آوری پیوند می‌دهند، کمتر مورد واکاوی قرار گرفته‌اند. این شکاف در بافتار ایرانی اهمیتی مضاعف دارد، زیرا نه مطالعه مروری نظام‌مند و نه مطالعه طولی معتبری که به‌طور خاص رابطه حمایت اجتماعی، تاب‌آوری و پیشگیری از آسیب‌های

اجتماعی را در خانواده‌های آسیب‌پذیر ایرانی بررسی کرده باشد، در نتایج جست‌وجو یافت نشد. حسنی و نیکویی (۱۴۰۵) نزدیک‌ترین مطالعه به این یافتارند، اما آن‌ها نیز بر خانواده‌های ساکن قم متمرکز بودند و نه بر خانواده‌های در معرض آسیب‌های اجتماعی .

۵/۲. دلالت‌های نظری

یافته‌های این مرور سه دلالت نظری مهم را برجسته می‌سازد. نخست، چارچوب بوم‌شناختی خطر و تاب‌آوری برای فهم رابطه حمایت و پیشگیری از آسیب در خانواده‌های آسیب‌پذیر مناسب است، اما نیازمند اصلاحی مهم است: عوامل ساختاری نظیر ناامنی مسکن و فقر نه صرفاً زمینه‌ای برای اثر حمایت، بلکه خود از طریق فرسایش شبکه حمایتی عمل می‌کنند. جئون (۲۰۲۶) این مسیر را به‌روشنی نشان داد: ناامنی مسکن با کاهش حمایت اجتماعی ابزاری رابطه دارد و این کاهش به افزایش خطر بدرفتاری کمک می‌کند. این یافته دلالت دارد که مدل‌های نظری باید حمایت اجتماعی را نه به‌عنوان یک متغیر مستقل، بلکه به‌عنوان یک سازوکار واسطه‌ای در مسیر اثر عوامل ساختاری بر پیامدهای خانوادگی conceptualize کنند.دوم، یافته‌های داخلی نشان می‌دهد که عوامل میان‌فردی (انسجام خانوادگی، ارتباط مؤثر و حل مسئله) بیشترین سهم را در پیش‌بینی تاب‌آوری خانواده دارند و حمایت اجتماعی به‌عنوان یک عامل فراخانوادگی در تعامل با این عوامل عمل می‌کند . این یافته با مرور یونس و گاتمن (۲۰۲۳) همسو است که تأکید کرد حمایت اجتماعی مهم‌ترین عامل محافظتی در سراسر سطوح بوم‌شناختی است، اما در عین حال نشان می‌دهد که اثر حمایت بدون انسجام درون‌خانوادگی محدود می‌ماند. بر این اساس، نظریه تاب‌آوری خانواده باید حمایت اجتماعی را نه به‌عنوان یک منبع بیرونی مستقل، بلکه به‌عنوان یک عامل تعاملی با ظرفیت‌های درون‌خانوادگی در نظر بگیرد.سوم، شواهد مربوط به نقش واسطه‌ای تاب‌آوری خانواده در رابطه میان حمایت اجتماعی و پیامدهای خانوادگی (نظیر کاهش دلزدگی زناشویی) نشان می‌دهد که تاب‌آوری نه یک ویژگی فردی صرف، بلکه یک فرایند رابطه‌ای است که در بستر تعاملات خانوادگی و شبکه حمایتی شکل می‌گیرد. این یافته با مرور فتحیان بروجنی و محمدی (۱۴۰۲) همسو است که تأکید کرد تاب‌آوری یک خصوصیت پایدار و تغییرناپذیر شخصیتی نیست و افراد ظرفیت بازسازی آن را دارند.

۵/۳. دلالت‌های کاربردی

یافته‌های این مرور دلالت‌های کاربردی مهمی برای سیاست‌گذاری و طراحی مداخلات در حوزه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی خانواده دارد. نخست، مداخلاتی که صرفاً بر تقویت مهارت‌های فردی یا تنظیم هیجانی متمرکزند و شبکه حمایتی را نادیده می‌گیرند، احتمالاً اثر پایدار کمتری خواهند داشت. یونس و گاتمن (۲۰۲۳) نشان دادند که حمایت اجتماعی مهم‌ترین عامل محافظتی در سراسر سطوح بوم‌شناختی است، در حالی که عوامل خطر در سطح خرد (سوءمصرف مواد والدین، تاریخچه بدرفتاری و خشونت خانگی) فراوانی بیشتری دارند. این یافته دلالت دارد که مداخلات پیشگیرانه باید همزمان بر کاهش عوامل خطر فردی و تقویت شبکه حمایتی متمرکز باشند.دوم، یافته‌های مربوط به نقش واسطه‌ای حمایت اجتماعی ابزاری در مسیر اثر ناامنی مسکن بر بدرفتاری (جئون، ۲۰۲۶) دلالت مهمی برای سیاست‌گذاری دارد: مداخلات ساختاری (نظیر تأمین مسکن پایدار) و مداخلات حمایتی (نظیر تقویت شبکه‌های غیررسمی) باید همزمان و هماهنگ طراحی شوند. صرفاً تقویت حمایت اجتماعی بدون رسیدگی به عوامل ساختاری، احتمالاً اثر محدودی خواهد داشت.سوم، یافته‌های داخلی نشان می‌دهد که عوامل میان‌فردی بیشترین سهم

را در پیش‌بینی تاب‌آوری خانواده دارند . این یافته دلالت دارد که برنامه‌های پیشگیرانه باید ابتدا بر تقویت انسجام خانوادگی، ارتباط مؤثر و حل مسئله متمرکز شوند و در گام بعد، حمایت اجتماعی بیرونی را به‌عنوان یک عامل مکمل و تعاملی در نظر بگیرند. مطالعه‌ای بر زنان دارای همسر وابسته به مواد نیز نشان داد که حمایت اجتماعی و سرسختی روان‌شناختی با تاب‌آوری رابطه مستقیم دارند و حدود ۵۸ درصد از واریانس تاب‌آوری بر اساس این دو متغیر قابل پیش‌بینی است ؛ یافته‌ای که اهمیت ترکیب مداخلات حمایتی و مهارت‌محور را برجسته می‌سازد.چهارم، با توجه به اینکه در نتایج جست‌وجوی حاضر مطالعه‌ای که به‌طور مستقیم رابطه حمایت اجتماعی، تاب‌آوری و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی را در خانواده‌های آسیب‌پذیر ایرانی بررسی کرده باشد یافت نشد، سیاست‌گذاران و پژوهشگران باید در تفسیر یافته‌های موجود برای این جمعیت احتیاط کنند. منابع فارسی موجود عمدتاً بر گروه‌های بیمار یا جمعیت‌های خاص (مادران دارای فرزند کم‌توانی ذهنی، زنان نابارور، همسران افراد وابسته به مواد و سالمندان) متمرکزند و تعمیم آن‌ها به خانواده‌های آسیب‌پذیر نیازمند پژوهش‌های اختصاصی است.

۵/۴. پیشنهادها

بر اساس یافته‌های این مرور، پیشنهادهای زیر برای پژوهش و عمل ارائه می‌شود.

پیشنهادهای پژوهشی: نخست، انجام مطالعات طولی در بافتار ایرانی که مسیرهای واسطه‌ای میان حمایت اجتماعی، تاب‌آوری و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی را در خانواده‌های آسیب‌پذیر آزمون کنند، ضروری است. مطالعه طولی جئون (۲۰۲۶) الگویی روش‌شناختی ارائه می‌دهد که می‌تواند در بافتار ایرانی adapted شود. دوم، پژوهش‌هایی که به‌طور خاص بر خانواده‌های آسیب‌پذیر در بافتارهای کم‌درآمد و حاشیه‌ای متمرکز شوند و نه بر گروه‌های بیمار یا جمعیت‌های خاص، مورد نیاز است. سوم، مطالعاتی که نقش تعدیل‌گر عوامل ساختاری نظیر فقر، ناامنی مسکن و نابرابری در دسترسی به خدمات را در رابطه میان حمایت و پیشگیری از آسیب آزمون کنند، ضرورت دارد.پیشنهادهای کاربردی: نخست، سیاست‌گذاران باید چارچوب‌های حاکمیت حمایتی را تدوین کنند که هم‌زمان بر تقویت شبکه‌های غیررسمی (خویشاوندی و همسایگی) و کاهش موانع ساختاری دسترسی به حمایت متمرکز باشند. دوم، برنامه‌های پیشگیرانه باید از تمرکز صرف بر مداخلات فردی و درمانی فراتر رفته و طراحی اجتماع‌محور را در اولویت قرار دهند. سوم، مداخلات باید ابتدا بر تقویت انسجام و ارتباطات درون‌خانوادگی متمرکز شوند و در گام بعد، حمایت اجتماعی بیرونی را به‌عنوان یک عامل مکمل و تعاملی در نظر بگیرند، زیرا شواهد داخلی نشان می‌دهد که عوامل میان‌فردی بیشترین سهم را در تاب‌آوری خانواده دارند .

۵/۵. نتیجه‌گیری نهایی

نتیجه‌گیری کلی این مرور آن است که حمایت اجتماعی و تاب‌آوری روان‌شناختی نه دو مسیر موازی، بلکه دو مؤلفه درهم‌تنیده در یک فرایند واحدند: حمایت پایدار، مواد خام لازم برای شکل‌گیری تاب‌آوری را فراهم می‌آورد و تاب‌آوری، توان بهره‌گیری مؤثر و پایدار از حمایت را افزایش می‌دهد. با این حال، این فرایند در خلأ عمل نمی‌کند و تحت تأثیر عوامل ساختاری نظیر ناامنی مسکن و فقر قرار می‌گیرد. شواهد بین‌المللی، به‌ویژه مطالعه طولی جئون (۲۰۲۶)، نشان می‌دهد که عوامل ساختاری از طریق فرسایش شبکه حمایتی بر خطر آسیب اثر می‌گذارند و این یافته دلالت دارد که مداخلات ساختاری و حمایتی باید هم‌زمان طراحی شوند. در بافتار ایرانی، شواهد موجود عمدتاً همبستگی، مقطعی و محدود به گروه‌های خاص است و خلأ پژوهشی مهمی در زمینه مطالعات طولی و نظام‌مند در خانواده‌های آسیب‌پذیر

وجود دارد. بر این اساس، سیاست‌گذاری پیشگیرانه در خانواده‌های آسیب‌پذیر باید از تمرکز صرف بر مداخلات فردی فراتر رفته و تقویت شبکه‌های غیررسمی، کاهش موانع ساختاری دسترسی به حمایت و طراحی برنامه‌های اجتماع‌محور را در اولویت قرار دهد. چنین رویکردی، پیشگیری را از واکنش پس از آسیب به خلق شرایط ایمن و توانمندساز پیش از بحران منتقل می‌کند.

منابع فارسی

۱. حسنی، فاطمه، و نیکویی، مریم. (۱۴۰۵). تعیین اثربخشی عوامل محافظتی موثر بر تاب‌آوری خانواده در بحران‌های اجتماعی.

۲. شیخ‌الاسلامی، علی، صادقی‌ولنی، زلیخا، و محمدی، نسیم. (۱۳۹۴). رابطه‌ی تاب‌آوری و حمایت اجتماعی ادراک‌شده با سازگاری مادران دارای فرزند کم‌توان ذهنی. فصلنامه روان‌شناسی افراد استثنایی، ۵(۲۰)، ۱۲۵–۱۳۹ .

۳. جن‌آبادی، حسین، و جوادی‌فر، پروانه. (۱۴۰۰). رابطه‌ی حمایت اجتماعی و سرسختی روانشناختی با تاب‌آوری در زنان دارای همسر وابسته به مواد تحت درمان دارویی. پژوهش در اعتیاد، ۱۵(۶۲)، ۲۴۵–۲۶۰ .

۴. میرزایی، فرشته، و دلاور، علی. (۱۴۰۱). پیش‌بینی تاب‌آوری فردی بر اساس حمایت اجتماعی، سلامت روان و تاب‌آوری خانوادگی در زنان نابارور. مجله علمی-پژوهشی سازمان نظام پزشکی ایران، ۴۰(۳)، ۱۹۹–۲۰۷ .

منابع انگلیسی

۵. Younas, F., & Gutman, L. M. (2023). Parental Risk and Protective Factors in Child Maltreatment: A Systematic Review of the Evidence. Trauma, Violence, & Abuse, 24(5), 3697–3714. https://doi.org/10.1177/15248380221134634

۶. Jeon, J., & Wei, W. (2026). The role of informal social support in child maltreatment prevention: scoping review. Journal of Family Social Work, 1–24. https://doi.org/10.1080/10522158.2026.2754447

۷. Jeon, J. (2026). The Longitudinal Relationship Between Housing Instability, Instrumental Social Support, and Child Maltreatment. Child and Adolescent Social Work Journal, 43(4), 1317–1330. https://doi.org/10.1007/s10560-026-01105-6

۸. Bayar, Ö., & Doğan, T. (2024). Resilience after Child Abuse and Neglect: A Systematic Review of Protective Factors. Studies in Psychology / Psikoloji Çalışmaları, 44(1), 1–33. https://doi.org/10.26650/SP2022-1026794

۹. Chang, O. D. (2025). Trajectories of change in caregiver social supports: Associations with child maltreatment among families with child welfare involvement. Child Abuse & Neglect, 169(Pt 2), 107736. https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2025.107736